

عوامل مؤثر بر بزه کاری نوجوانان (مورد مطالعه: نوجوانان شهر یاسوج)

حسین علمداری¹، لیلا زارعلی²، شهرام رحمانی³، امید براتی⁴

تاریخ دریافت: 1395/11/25
تاریخ پذیرش: 1396/02/13

از صفحه 95 تا 108

فصلنامه علمی - تخصصی دانش انتظامی گهگلوبه و بویر احمد
سال دهم، شماره اول (پیاپی 26)، بهار 1396

چکیده

هدف: از جمله اهداف هر جامعه، زندگی اجتماعی مبتنی بر نظم و امنیت است. در جامعه‌ای که هنجارهای اجتماعی شکسته شود، انسجام اجتماعی از بین می‌رود و هرج و مرج سبب اختلال در نظم اجتماعی و در مواردی فروپاشی نظام اجتماعی می‌شود. یکی از مسائل پیچیده که توجه بسیاری از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان را به خود معطوف داشته، موضوع بزه کاری نوجوانان است که روزبه‌روز گسترش بیشتری می‌یابد. هدف از این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر بزه کاری نوجوانان است.

روش: پژوهش حاضر یک مطالعه مقطعی - تحلیلی است که در آن تعداد 138 نوجوان (113 پسر و 25 نفر دختر) شهر یاسوج که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند، مورد بررسی قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از روش تی‌تست و هم‌بستگی پیرسون تحلیل شدند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد بین بزه کاری دختران و پسران تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بزه کاری پسران بیشتر از دختران است. بین خشونت خانوادگی، داشتن دوستان ناباب، برچسب زدن با بزه کاری نوجوانان رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح $(P < 0/01)$ وجود دارد و بین اعتقادات مذهبی نوجوان و بزه کاری آنها رابطه منفی و معنی‌داری در سطح $(P < 0/01)$ به دست آمده است. همچنین تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که دو متغیر داشتن دوستان ناباب و خشونت خانوادگی $42/4$ درصد از میزان بزه کاری نوجوانان را تبیین می‌کند.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که بی‌توجهی خانواده و نداشتن کنترل بر دوست‌گزینی باعث کجروی نوجوانان می‌شود و زمینه را برای اعمال خلاف آماده می‌کنند و تشویق رفتارهای صحیح نوجوان باعث رشد الگوهای مناسب در رفتار آنها می‌شود؛ بنابراین، آموزش به والدین نوجوانان بزه‌کار جهت تعامل مطلوب در خانواده و شیوه تربیتی صحیح در خانواده ضروری می‌باشد.

کلید واژه‌ها

بزه کاری، نوجوانان، خشونت خانوادگی، دوستان ناباب.

1- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی (نویسنده مسئول). hossein_alamdari@yahoo.com

2- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی

3- دکتری حقوق خصوصی (عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور واحد ممسنی)

4- کارشناس ارشد اندیشه سیاسی

بیان مسئله

بزه‌کاری یک پدیده بسیار پیچیده اجتماعی است که در محیط‌های اجتماعی مختلف به شکل‌های متفاوتی دیده می‌شود. تعریف بزه و رفتار بزه‌کارانه در هر جامعه‌ای توسط قوانین حقوقی و هنجارهای اجتماعی آن جامعه مشخص می‌شود. اگرچه در بیشتر جوامع، بزه به‌عنوان رفتاری قابل تنبیه از طرف قانون تعریف شده است، اما صرفاً در تبیین آن مفهوم حقوقی مسئله کافی نیست. بزه‌کاری به معنای تعدادی متغیر از اعمال ارتكابی علیه احکام قانونی آن می‌تواند ماهیت‌های مختلفی داشته، وجه مشترک تمام جوامع انسانی است.

بزه، اولین پدیده‌ای بود که با تجمع افراد به دور یکدیگر و شکل گرفتن جامعه، تظاهر پیدا کرد، زیرا گرد هم آمدن افراد موجب سرپیچی از برخوردهای گوناگونی بین آنها گردید و به همین دلیل دستورات و مقرراتی پدید آمد تا قدری آزادی افراد را به سود جامعه مقید گرداند و حدود هر یک از افراد جامعه مشخص شود. بررسی‌های جرم‌شناسی نشان می‌دهد که هر معلولی، علتی دارد و هیچ چیز به‌خودی خود به‌وجود نمی‌آید؛ بنابراین هر جرمی هم دارای علل سازنده‌ای است که بر روی فرد اثر می‌گذارد و او را به‌سوی ناسازگاری و نابهنجاری سوق می‌دهد (شایگان و جبلی، 1389).

بزه‌کاری اصولاً از مجموعه‌ای از جرایمی به‌وجود می‌آید. در یک زمان و مکان معین به وقوع می‌پیوندد و به همین دلیل زمانی که مورد بررسی قرار می‌گیرند، در حقیقت از جنبه پدیده‌های اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی، سیاسی، مذهبی، خانوادگی و... یک جامعه عمیقاً مورد مطالعه واقع می‌شوند. در وحله اول بزه‌کاران از جهات مختلف، سن، میزان تحصیلات، جرم، مشکلات خانوادگی و... تقسیم‌بندی می‌شوند و به‌دنبال آن علل و عوامل مؤثر بزه‌کاری اطفال و نوجوانان و پیش‌گیری از این عامل بررسی خواهد شد.

دوران نوجوانی از قدیم دورانی دشوار قلمداد شده است. 300 سال پیش از تولد مسیح، ارسطو چنین اظهار داشت: «آه نوجوانان پرشورند و آماده‌اند که خود را به دست غرایز بسپارند»؛ بنابراین نوجوانی دوره‌ای است حد فاصل میان کودکی و بزرگسالی. به نظر برخی از دانشمندان نوجوانی یک پدیده فرهنگی است.



در این دوران، نوجوان به دنبال هویت است؛ زیرا هویتشان در حال شکل گرفتن است. چون در حال یافتن پاسخ من کیستم هستند تا برای زندگی در جامعه مهیا شوند. بر اساس نظریه اریکسون اگر هویت نوجوان شکل بگیرد و نوجوان بتواند خود را بشناسد، تعادل روانی وی تضمین می‌شود، ولی اگر سرخوردگی و عدم اعتماد جاگزین شود و به جای تماس با مردم، نوجوان گوشه‌گیر شود و به جای تحرک به رکود گراید، تعادل روانی وی به هم می‌خورد و دچار بحران هویت می‌شود (صالحی، پورمحمی‌آبادی و سالاری‌راد، 1391).

انحراف اجتماعی و بزه‌کاری در بین نوجوانان به‌عنوان مشکلی اجتماعی، می‌تواند موجب ناامنی و بی‌نظمی شود. گسترش انحرافات در جامعه و تعمیق آن در بین گروه‌های مختلف جوانان و نوجوانان تبدیل به ارزش‌های فرعی در جامعه شده و به تدریج ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه را سست خواهد کرد (پیکا، 1370).

شناخت علل بزه و رفتار بزه‌کارانه می‌تواند به برنامه‌ریزان کمک کند تا برنامه‌های دقیق‌تر و متناسب با زمان و مکان خاص طراحی کنند و به مرحله اجرا درآورند؛ بنابراین، هدف از این مقاله بررسی عوامل مؤثر بر بزه‌کاری نوجوانان است.

احمدی، خواجه نوری و موسوی (1386) در پژوهشی با عنوان «عوامل مرتبط با بزه‌کاری دانش‌آموزان دبیرستانی» با استفاده از پرسش‌نامه خود به جمع‌آوری اطلاعات از بین 499 دانش‌آموز دختر و پسر مقطع دبیرستان شهرستان آباده (شهرهای آباده، بهمن، صغاد، ایزدخواست، سورمق) پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیدند متغیرهای وابستگی به دوستان، مذهبی بودن و استفاده از رسانه‌های جمعی به ترتیب بیشترین رابطه را با متغیر بزه‌کاری جوانان داشته‌اند. مدل پژوهش با سه متغیر فوق 31 درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. گروه‌های هم‌سالان در تقویت رفتار بزه‌کارانه جوانانشان از اهمیت زیادی برخوردارند. تقویت هویت مذهبی جوانان می‌تواند به کاهش میزان بزه‌کاری کمک کند. در کنار این دو، کاهش محتواهای خشونت‌آمیز برنامه‌های رسانه‌های جمعی به‌خصوص می‌تواند به کاهش بزه‌کاری بینجامد.

شایگان و جیلی (1389) عوامل فردی مؤثر بر گرایش بزه‌کاری زنان که جمعیت نمونه آن، 75 تن از زنان دستگیرشده در اداره آگاهی و مبارزه با مواد مخدر که به جرم

خود اعتراف کرده‌اند، می‌باشد را بررسی کردند. اطلاعات جمع‌آوری شده به کمک پرسش‌نامه نشان داده است که عواملی چون اعتیاد، ضعف اعتقادات مذهبی، تجربیات تلخ دوران کودکی (طلاق والدین، زندگی بدون یکی از والدین یا بدون هر دو آنان، کتک خوردن در کودکی، بی‌توجهی والدین، مشاهده کتک خوردن مادر یا خواهر به دست پدر یا برادر، احساس تبعیض بین فرزندان، تجاوز جنسی، اخراج از مدرسه) و شکست در زندگی (احساس ناخشنودی در ازدواج، طلاق، ازدواج مجدد همسر، زندانی شدن همسر، اعتیاد همسر، کتک خوردن از همسر و ناسزا شنیدن از همسر، نداشتن احساس خوشبختی و محبت ندیدن از همسر) رابطه قوی با بزه‌کاری زنان، دارند.

محمد رضا مشکانی و زهراسادات مشکانی در سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزه‌کاری نوجوانان به این نتیجه رسیدند که تنها سه عامل بر شدت بزه‌کاری اثر دارند و می‌توانند آن را تبیین کنند؛ این سه عامل عبارتند از: عامل وابستگی بزه‌کاری به خانواده، باورها و نگرش‌ها و ارتباط با بزه‌کاران. یافته‌ها نشان داد که هر قدر وابستگی نوجوان به خانواده قوی‌تر باشد، از شدت اعمال بزه‌کارانه کاسته می‌شود. باورهای مذهبی عامل بازدارنده بزه‌کاری هستند و نگرش‌های منفی نسبت به قانون، مجریان قانون و هنجارهای اجتماعی باعث تقویت بزه‌کاری می‌شوند. در نهایت نتیجه گرفتند ارتباط با بزه‌کاران به صورت صمیمی و مستمر قویاً نوجوانان را به سوی بزه‌کاری سوق می‌دهد.

صالحی، پورمحمی‌آبادی و سالاری‌راد (1391) در بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بزه‌کاری اولیه و ثانویه کودکان به این نتیجه رسیدند که وضعیت خانواده، محله و گروه دوستان، بیشترین تأثیر را بر بزه‌کاری اولیه کودکان داشته است و خشونت معلمان، اخراج از مدرسه، بازداشت غیرقانونی طولانی‌مدت، خشونت مأموران بازداشت و قانون اصلاح و تربیت و تبعات منفی محیط زندان، از مهم‌ترین عوامل موجود در جامعه پیرامون کودکان مذکور است که می‌تواند بر بزه‌کاری ثانویه آنان مؤثر باشد.

دیدگاه‌های گوناگون درباره جرم

جرم را اغلب به بیماری اجتماعی تشبیه کرده‌اند، ولی نزدیک کردن این دو مفهوم دقیقاً درست نیست؛ زیرا بیماری در عالم واقع با نشانه‌ها و علائم و نمودارهایی مشخص



می‌شود که جنبه محسوس دارد و ممکن است به‌خودی خود بررسی شود، اما هیچ عملی نیست که به‌خودی خود جرم باشد. آسیب‌ها و زیان‌های عملی هر قدر چشم‌گیر و مهم باشند، مرتکبان آنها هنگامی مجرم تلقی می‌شوند که افکار عمومی و اعتقاد گروهی، آنان را مجرم بشناسند. به عبارت دیگر، آنچه عملی را به جرم تبدیل می‌کند جنبه عینی و بیرونی عملی نیست، بلکه تعیین‌کننده جرم، قضاوتی است که جامعه درباره آن عمل دارد (ستوده، 1381).

دورکیم با بیان مفهوم بی‌هنجاری (آنومی) بر این باور است که جامعه نابسامان یا بی‌سازمان جامعه‌ای است که مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌های متضاد با یکدیگر در خود داشته است و فاقد خطوط راهنمای روشن و پایداری برای مردم به‌منظور یادگیری و درونی کردن هنجارهاست (احمدی، 1384).

به‌نظر پارک و برگس اقلیت‌های فرهنگی و نژادی، عمدتاً مهاجران، از فرهنگ متجانس خود جدا شده، به‌عنوان یک خرده فرهنگ، وارد مناطق مختلف شهری به‌ویژه سکونت‌گاه‌های فقیرنشین می‌شوند که در شهرهای صنعتی این فرایند تبدیل گروه‌های اقلیت به خرده فرهنگ، همراه با پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین ساکنان و سکونت در زاغه‌نشین‌های شهر، منتهی به خرده فرهنگ بزه‌کارانه و به‌طور کلی شیوع جرم و جنایت می‌شود (احمدی، 1384).

رابرت مرتن جامعه‌شناس امریکایی، نظریه فشار ساختاری خود را بر پایه نظریه بی‌هنجاری تعمیم داد. مرتن آنومی یا بی‌هنجاری را به تنگنایی اطلاق می‌کند که وقتی هنجارهای پذیرفته‌شده با واقعیت اجتماعی در ستیزند، بر افراد وارد می‌آید. در واقع، این نظریه، انحراف را به‌عنوان نتیجه تنگنای ساختاری می‌داند که مردم را تحت مضیقه قرار می‌دهد (ستوده، 1384).

مرتن چهار نوع رفتار انحرافی را که ممکن است در این فرآیند پدید آید، به شرح زیر بر می‌شمارد:

نوآوری: معمولاً هنگامی رخ می‌دهد که افراد درصدد رسیدن به هدف‌های مشروع باشند، ولی راه‌های استفاده مؤثر از وسایل پذیرفته شده برای آنان مسدود باشد.

مراسم‌گرایی: هنگامی مطرح می‌شود که هدف‌های پذیرفته مجال چندانی برای فعالیت پیدا نمی‌کنند، اما وسایل مشروع رسیدن به این هدف‌ها صمیمانه تعقیب می‌شود.

کناره‌گیری: وقتی فردی به دلیل شرایط محدود یا فقدان شایستگی خود نتواند به هدف‌های تعیین‌شده فرهنگی و نیز وسایل دستیابی به آنها برسد، کناره‌گیری اختیار می‌کند.

طغیان و سرکشی: این رفتار انحرافی وقتی رخ می‌دهد که شخص به این نتیجه برسد که جامعه موانعی را به وی تحمیل می‌کند که مانع نیل او به هدف‌های خود می‌شود؛ از این‌رو، شخص مزبور بر ضد جامعه طغیان و سرکشی می‌کند و در صد دگرگونی هدف‌های خود بر می‌آید و می‌کوشد تا وسایل مطرح برای رسیدن به آنها را نیز تغییر دهد (ستوده، 1384).

تراویش هیرشی پایه‌گذار نظریه پیوند اجتماعی است. هیرشی چهار عامل یا مؤلفه اصلی را موجب پیوند فرد و جامعه می‌داند: الف) دلبستگی؛ ب) سرسپردگی یا تعهد؛ ج) اعتقاد یا اعتماد؛ د) درگیری و مشارکت. وی معتقد است که بزه‌کاری زمانی روی می‌دهد که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف یا گسسته شود (ستوده، 1384).

به نظر ساترلند:

1. عمل مجرمانه آموختنی است.
2. آموزش از طریق ارتباط فرد با سایر افراد و عموماً به‌صورت شفاهی و به کمک کلمات صورت می‌گیرد و فقط در برخی موارد ممکن است از طریق حرکات چهره و قیافه انجام گیرد.
3. بخش اعظم آموزش رفتار بزه‌کارانه در گروه‌های نزدیک که با فرد روابطی صمیمانه دارند، محقق می‌شود.
4. آموزش عمل مجرمانه، مراحل گوناگونی دارد: فنون ارتکاب جرم که گاه پیچیده و گاه ساده است، جهت دادن به انگیزه‌ها، گرایش‌ها، کشش‌های درونی و توجیه عمل مجرمانه.



5. کسب انگیزه‌ها و میل به ابزار کشش‌های درونی، آموختنی است. همهٔ مردم جامعه نظر مطلوب در برابر مراعات هنجارهای حقوقی ندارند.
6. زمانی فرد به عمل بزه‌کارانه دست می‌زند که آمیزش او با کسانی که موافق شکستن قاعده‌اند، بیشتر از کسانی است که با شکستن قاعده مخالف هستند.
7. ارتباطات گوناگونی که فرد با دیگران دارد، از لحاظ فراوانی، تداوم، تقدم سن و شدت یکسان نیست.
8. فرایند کسب رفتار مجرمانه در ارتباط با الگوی‌های مجرمانه و غیرمجرمانه، همان سازوکاری را می‌پیماید که در یادگیری سایر رفتارهای اجتماعی مشاهده می‌شود.
9. در حالی که رفتار بزه‌کارانه، نیازها و ارزش‌های کلی و عام شخص را بیان می‌کند، اما به‌وسیلهٔ آنها تولید نمی‌شود، رفتار غیرمجرمانه هم بیان همان نیازها و ارزش‌های عام است (سخاوت، 1383).

بر اساس نظریهٔ انگ‌زنی، منحرف شناختن فردی که واقعاً منحرف نیست، ممکن است او را به منحرف واقعی تبدیل کند. تأیید برچسب انحراف فرد به‌طور رسمی یا غیررسمی موجب رفتار نامطلوب دیگران با او می‌شود و نه فقط او را از شکستن هنجارها باز نمی‌دارد، بلکه موجب افزایش تمایل او به شرکت در گروه‌های منحرف نیز می‌شود (محسنی تبریزی، 1383).

روش پژوهش

روش پژوهش پیمایش و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه بوده است. برای سنجش رفتار بزه‌کارانه، پرسش‌نامه‌ای مشتمل بر 25 سؤال ساخته شد که رفتارهای عینی دانش‌آموزان را می‌سنجید. اعتبار این سؤال‌ها توسط سایر مطالعات و همچنین اساتید و مشاوران متخصص علوم اجتماعی به اثبات رسیده بود. این سؤال‌ها با یکدیگر ادغام شد و یک متغیر ترکیبی ساخته شد؛ بنابراین، در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده است.

یافته‌ها

81/9 درصد از پاسخ‌گویان پسر و 18/1 درصد دختر، 65/2 درصد پدرشان شاغل و 34/8 درصد پدرشان بیکار بوده است. 68/1 درصد ساکن شهر و 31/9 درصد ساکن روستا بوده است.

از آنجایی که پیش‌فرض ما این بوده که بین بزه‌کاری نوجوانان برحسب جنسیت تفاوت وجود دارد، برای بررسی آن از آزمون تی‌تست استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون تی‌تست نشان می‌دهد که میانگین بزه‌کاری پسران 41/47 با انحراف معیار 8/29 و میانگین بزه‌کاری دختران 38/80 با انحراف معیار 5/09 می‌باشد که این اختلاف چون سطح معنی‌داری (sig=0/041) است، در سطح (P< 0/05) معنادار می‌باشد؛ بنابراین پسران بیشتر از دختران به بزه‌کاری می‌پردازند.

جدول شماره 1: مقایسه میانگین بزه‌کاری نوجوانان پسر و دختر

جنسیت	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	t	سطح معناداری
پسر	113	41/47	8/29	2/087	0/041
دختر	25	38/80	5/09		

بر اساس جدول شماره دو این نتایج به‌دست آمده است:

- بین خشونت خانوادگی با بزه‌کاری نوجوانان ضریب هم‌بستگی (0/586) به‌دست آمده است که در سطح (0/01) معنی‌دار است. جهت رابطه مثبت و بیانگر آن است که هر چقدر در خانواده نوجوانان میزان خشونت خانوادگی بیشتر باشد، میزان بزه‌کاری آنها نیز بیشتر می‌شود و بالعکس.
- بین داشتن دوستان ناباب با بزه‌کاری نوجوانان ضریب هم‌بستگی (0/450) به‌دست آمده است که در سطح (0/01) معنی‌دار است. جهت رابطه مثبت و بیانگر این است که هر چه میزان ارتباط نوجوانان با دوستان ناباب بیشتر باشد، میزان بزه‌کاری آنها نیز بیشتر می‌شود و بالعکس.
- بین برچسب زدن با بزه‌کاری نوجوانان ضریب هم‌بستگی (0/340) به‌دست آمده است که در سطح (0/01) معنی‌دار است. جهت رابطه مثبت و بیانگر این است



که هر چه میزان برچسب زدن به نوجوانان بیشتر باشد، میزان بزهکاری آنها نیز بیشتر می‌شود و بالعکس.

- بین اعتقادات مذهبی با بزهکاری نوجوانان ضریب هم‌بستگی (0/370-) به دست آمده است که در سطح (0/01) معنی‌دار است. جهت رابطه منفی و بیانگر این است که هر چه میزان اعتقادات مذهبی نوجوانان کمتر باشد، میزان بزهکاری آنها نیز بیشتر می‌شود و بالعکس.

جدول شماره 2: ضریب هم‌بستگی بین متغیرهای مستقل با بزهکاری نوجوانان

بزهکاری		متغیرهای مورد مطالعه
سطح معنی‌داری	ضریب هم‌بستگی	
0/001	0/586	خشونت خانوادگی
0/001	0/450	داشتن دوستان ناباب
0/001	0/340	برچسب زدن
0/001	-0/370	اعتقادات مذهبی

رگرسیون چندگانه

جدول شماره سه عناصر تحلیل چندگانه پیش‌بینی بزهکاری نوجوانان را نشان می‌دهد. به منظور تشریح و تحلیل رگرسیون چندمتغیره و دست‌یابی به مدل رگرسیونی تبیین بزهکاری نوجوانان، متغیرهای مستقل به روش گام‌به‌گام¹ انتخاب شده و در یک دستور رگرسیونی برای دست‌یابی به معادله، مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

نتایج نشان داد که داشتن دوستان ناباب و خشونت خانوادگی از قدرت پیش‌بینی بیشتری در مقایسه با دیگر متغیرهای برای بزهکاری نوجوانان برخوردار بوده است و 42/4 درصد واریانس آن را تبیین کرده است.

جدول شماره 3: عناصر اصلی تحلیل چندمتغیره برای پیش بینی بزه کاری نوجوانان

مرحله	متغیرهای وارد شده	R	R ²	انحراف استاندارد	P-Value
1	داشتن دوستان ناباب	0/625	0/391	6/16	0/001
2	خشونت خانوادگی	0/651	0/424	6/01	0/001

جدول شماره چهار، عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش‌بینی بزه‌کاری نوجوانان را نشان می‌دهد. با توجه به مقدار بتا مشخص می‌شود که داشتن دوستان ناباب و خشونت خانوادگی دارای جهت مثبت و معنی‌داری با بزه‌کاری نوجوانان می‌باشد. آزمون t نشان می‌دهد ضریب B برای دو متغیر داشتن دوستان ناباب و خشونت خانوادگی در سطح 95 درصد اطمینان معنی‌دار هستند (جدول شماره چهار).

جدول شماره 4: عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش‌بینی بزه‌کاری نوجوانان

نام متغیر	ضریب B	ضریب Beta	مقدار t	P-Value
داشتن دوستان ناباب	2/334	0/625	0/250	0/001
خشونت خانوادگی	0/988	0/271	0/357	0/007

نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر بزه‌کاری نوجوانان انجام شده است. در بخش نظریات، به نظریه‌های مرتبط با موضوع اشاره شد و روش این پژوهش پیمایش بوده است. نمونه آماری شامل 138 نوجوان (113 پسر و 25 نفر دختر) شهر یاسوج که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند، مورد بررسی قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از روش تی‌تست و هم‌بستگی پیرسون تحلیل شدند و به نتایج ذیل رسیدیم:

9 درصد از پاسخ‌گویان پسر و 18/1 درصد دختر، 65/2 درصد پدرشان شاغل و 34/8 درصد پدرشان بیکار بوده است. 68/1 درصد ساکن شهر و 31/9 درصد ساکن روستا بوده است. نتایج حاصل از آزمون تی‌تست نشان می‌دهد بین بزه‌کاری پسران و دختران اختلاف معنی‌داری در سطح (P < 0/05) وجود دارد. به عبارتی دیگر، پسران بیشتر از دختران به بزه‌کاری می‌پردازند.

نتایج ضریب هم‌بستگی پیرسون نشان داد که بین خشونت خانوادگی، داشتن دوستان ناباب و برچسب زدن با بزه‌کاری نوجوانان رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح (0/01)



وجود دارد. بین اعتقادات مذهبی با بزهکاری نوجوانان رابطه منفی و معنی‌داری در سطح (0/01) وجود دارد. نتایج رگرسیون چندمتغیره نشان داد که داشتن دوستان ناباب و خشونت خانوادگی از قدرت پیش‌بینی بیشتری در مقایسه با دیگر متغیرهای برای بزهکاری نوجوانان برخوردار بوده است و 42/4 درصد واریانس آن را تبیین کرده است.

بنابراین، یکی از عوامل مهمی که بر بزهکاری نوجوانان مؤثر است، هم‌سالان هستند. آنان بدون این‌که بخواهند برخی از رفتارهای نوجوان را تقویت کرده، الگوهای برای تقلید و همانندسازی او می‌شوند و در نتیجه سبب تغییر و تعدیل رفتارهای نوجوان می‌شوند. هم‌سالان با سرمشق شدن برای یکدیگر، در تقویت یا تنبیه رفتار و تفسیر رفتار در یکدیگر تأثیر می‌گذارند. گروه هم‌سالان مهارت‌های اجتماعی مهم را طوری به یکدیگر می‌آموزند که بزرگسالان قادر به انجام آن نیستند (خزائی پارسا، 1389).

همانندسازی شدید با هم‌سالان با وابستگی به آنها، صرف نظر از طبقه اجتماعی-اقتصادی، عامل مهمی در بزهکاری است. نوجوانی که توسط والدینش مورد طرد قرار گرفته، برای کسب حمایت و تأیید به سوی هم‌سالان کشانده می‌شوند. چنین نوجوانانی در مدرسه ضعیف هستند و به دنبال افرادی می‌گردند که مانند خودشان باشند؛ از این‌رو احتمال دارد که دست به اعمال ضد اجتماعی بزنند و همدیگر را برای این اعمال مورد تشویق قرار دهند.

عامل مهم دیگری که بر بزهکاری نوجوانان مؤثر می‌باشد، خشونت خانوادگی است. والدین، محیط خانواده را برای تأمین احتیاجات اساسی نوجوانان مساعد می‌کنند. هرگونه نارسایی در عملکرد خانواده تأثیرات نامطلوبی در بهنجار کردن فرزندان می‌گذارد (روزن باوم، 1367). اختلاف خانوادگی و ناسازگاری والدین با هم، تأثیر نامطلوبی بر روی نوجوان گذاشته و غالباً وی را به سوی ارتکاب جرم و یا خودکشی سوق می‌دهد. در خانواده‌ای که تفرقه و جدایی حکومت می‌کند، اگرچه نوجوان عملاً و در ظاهر امر از کانون خانوادگی طرد نشده است، ولی باطناً در اغلب موارد از محبت والدین خود محروم و در نهایت به لحاظ روحی افسرده و بی‌حوصله می‌شود. اگر نوجوان در کانون خانواده رنگ آرامش، صفا و صمیمیت را نبیند، ناچار است در کوچه و خیابان به جست‌وجوی آن بپردازد. در این حال چه بسا که چنین نوجوان به دام شیادان افتاده و از راه راست منحرف شود. ضمن این‌که وجود اضطراب، خفقان و خشونت در محیط

خانه، فرزندان را نسبت به زندگی بی‌علاقه و بدبین کرده و زمینه را برای انحرافات فراهم می‌سازد (شامبیاتی، 1390)

برخورداری والدین از شخصیت متعادل و سالم از ملزومات توفیق آنها در امر تربیت نوجوان است. والدینی که از چنین شخصیتی برخوردار نیستند، به الگویی نامناسب برای فرزندان تبدیل می‌شوند. مصرف مواد مخدر و الکل، از جمله عوامل خطرناکی است که به شدت تربیت نوجوان را دچار مشکل کرده و در نهایت موجب انحراف و نابهنجاری خواهد شد تحقیقات متعددی در این زمینه نشان داده است که والدین دارای اعتیاد، الگویی برای اعتیاد کودکان به مواد مخدر شده‌اند (خزائلی پارسا، 1389). اولیای معتاد در شرایط نشئگی بسیار بخشنده، مهربان و ایثارگر بوده، ولی در حالت خماری، سرشار از خشم و غضب می‌شوند یا در کمال بی‌تفاوتی و بی‌حوصلگی نسبت به نزدیکان و وقایع اطراف خود، کمترین احساس یا واکنشی نشان نمی‌دهند. بروز این تغییرات رفتاری در اولیای معتاد، نخستین عامل گرایش به مواد مخدر در بچه‌های اعتیاد است. زیرا نوجوان به تجربه درمی‌یابد که سرپرست او بعد از استعمال مواد، دارای رفتاری عاطفی و سرشار از مهر و محبت می‌شود و او ناتوان از تشخیص این مطلب که ابراز احساسات در شرایط نشئگی، حالت موقت و کاذب دارد، در ذهن خود، بین خوبی و مهرورزی و استعمال مواد نوعی رابطه مستقیم و لازم و ملزوم برقرار می‌کند.



منابع

- احمدی، حبیب؛ خواجه‌نوری، بیژن؛ موسوی، سیدمجید (1386). عوامل مرتبط با بز هکاری دانش‌آموزان دبیرستانی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره 8.
- احمدی، ح. (1384). جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: انتشارات سمت.
- پیکا (1370). جرم‌شناسی. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- خزائلی پارسا، فاطمه (1388). طرح آموزش پیش‌گیری از سوء مصرف مواد در مهدهای کودک. تحقیقات سوء مصرف و وابستگی به مواد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- دانش، تاج زمان (1385). روش اصلاح و تربیت او چیست؟ جلد 3، تهران: کیهان «طفل بز هکار کیست؟»
- روزن باوم، هایدی (1367). خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه. ترجمه محمد صادق مهدوی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول.
- ستوده، هدایت‌الله (1381). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات آوای نور.
- ستوده، هدایت‌الله (1384). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات آوای نور.
- سخاوت، جعفر (1383). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور
- شامبیاتی، هوشنگ (1390). بز هکاری اطفال و نوجوانان، جلد 8، تهران: مجد و ژوبین.
- شایگان، فریبا؛ جبلی، معصومه (بی‌تا). بررسی عوامل فردی مؤثر بر گرایش بز هکاری زنان. پلیس زن، سال چهارم / شماره سیزدهم / پاییز و زمستان.
- صالحی، جواد؛ پورمحمی آبادی، حسین؛ سالاری‌راد، معصومه (1391). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بز هکاری اولیه و ثانویه کودکان. سال هفتم - شماره 73 و 74.
- محسنی تبریزی، علیرضا (1383). وندالیسم. تهران: انتشارات آن.
- مشکانی، محمدرضا؛ مشکانی، زهراسادات (1381). تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بز هکاری نوجوانان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره 2.

